



إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ
 خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٣٨﴾ أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا
 وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ
 دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ
 النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ
 وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ
 اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾ الَّذِينَ إِنْ
 مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا
 بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ
 ﴿٤١﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ
 عَادٌ وَثَمُودٌ ﴿٤٢﴾ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ﴿٤٣﴾ وَأَصْحَابُ
 مَدْيَنَ ۗ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ
 فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ
 هِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْسَ مُعْتَلَّةً وَ
 قَصْرٍ مَشِيدٍ ﴿٤٥﴾

به یقین، خدا از آنان که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند، البته خدا هیچ خیانت‌پیشه ناسپاسی را دوست نمی‌دارد ﴿۳۸﴾

به کسانی که مورد هجوم قرار گرفته‌اند، اجازه [جهاد] داده شده است، زیرا بر آنان ستم رفته است، و قطعاً خدا بر یاری آنان تواناست ﴿۳۹﴾

همانان که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شده‌اند (و جرمی نداشتند) جز آنکه می‌گفتند: پروردگار ما خداست. و اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، دیرها و کلیساها و معبدهای یهود و مساجدی که در آنها بسیار یاد خدا می‌شود، سخت ویران می‌شدند. و قطعاً خدا کسانی را که او را یاری کنند یاری می‌کند، بی‌تردید خداوند نیرومند و شکست‌ناپذیر است ﴿۴۰﴾

همانان که اگر در زمین به آنان فرمانروایی دهیم، نماز بر یا می‌دارند و زکات می‌دهند و (مردم را) به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام کارها فقط در اختیار خداست ﴿۴۱﴾

و اگر تو را تکذیب کنند (امر تازه‌ای نیست)، پیش از آنان، قوم نوح و عاد و ثمود (هم پیامبران خود را) تکذیب کردند ﴿۴۲﴾

و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط ﴿۴۳﴾ و [همچنین] اهل مدین؛ و موسی [نیز] تکذیب شد، پس به کافران مهلت دادم، سپس آنان را [به کیفر] گرفتم. پس [بنگر که] انتقام [و عذاب] من چگونه بود؟ ﴿۴۴﴾

و چه بسیار شهرهایی را که [مردم آنها] ستمکار بودند هلاک کردیم، و [اینک دیوارهای] آنها بر سقف‌هایشان فروریخته است؛ و [چه بسیار] جاه‌های رها شده و کاخ‌های برافراشته [که صاحبانشان هلاک شده‌اند] ﴿۴۵﴾

عصر شکوفایی

درس یازدهم

ما در درس گذشته، با برخی از معیارهای تمدن موردنظر اسلام آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم ببینیم نیاکان ما برای تحقق این معیارها چقدر تلاش کرده‌اند و تا چه اندازه موفق شده‌اند و از این تلاش چه درس‌هایی برای امروز خود می‌توانیم بگیریم؟

اوضاع اجتماعی و فرهنگی پیش از اسلام

قبل از ورود به دوره تمدن اسلامی، نگاهی به اوضاع قبل از اسلام می‌اندازیم تا بدانیم که مسلمانان از چه نقطه‌ای حرکت کرده و به چه نقطه‌ای رسیده‌اند و آن را چراغ راه آینده قرار دهیم. امیر مؤمنان علی علیه السلام از آن ایام این‌گونه یاد می‌کند:

«خداوند رسول خویش، محمد صلی الله علیه و آله، را زمانی فرستاد که مدتی از بعثت پیامبران پیشین می‌گذشت. ملت‌ها در خوابی عمیق فرورفته و فتنه و فساد، جهان را فراگرفته بود. رشته‌ها از هم گسیخته و آتش جنگ، زبانه می‌کشید.»^۱

«مردم آن زمانه، مذاهب پراکنده و خواسته‌های متناقض و روش‌های متفاوت داشتند. برخی خدا را شبیه سایر مخلوقات می‌دانستند و برخی نیز غیر او را پرستش می‌کردند.»^۲

«مردم از شیطان اطاعت می‌کردند و در راه او گام برمی‌داشتند. علم‌های شیطان توسط این مردم به حرکت درآمده و پرچمش در فتنه‌هایی که شیطان، مردم را از طریق آن زیر باهایش می‌کوفت و زیر سم‌هایش لگدمال می‌کرد، برافراشته شده بود.»^۳

«شما مردم در آن زمان بدترین کیش و آیین را داشتید. در میان سنگ‌های سخت و مارهای زهرآلود زندگی می‌کردید، آب تیره می‌نوشیدید، غذای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را می‌ریختید و از خویشان می‌پریدید. بت‌ها در میان شما جای داشت و گناه، شما را فراگرفته بود.»^۴

بسیاری از مردم، داشتن دختر را ننگ می‌شمردند و وقتی به آنها خبر می‌دادند که خداوند دختری به آنها بخشیده، خشمگین می‌شدند.^۵ در داخل قبایل، غارت اموال، دزدی، برده‌داری، قمار، ربا و داد و ستدهای نادرست رواج داشت. کعبه مرکز بت‌های مختلف شده بود. بسیاری نیز به پرستش ارواح و ماه و ستارگان مشغول بودند.

خارج از شبه جزیره عربستان نیز، جهان آن روز آمیزه‌ای از تهی‌دستی، شلاق خوردن و سوختن محرومان، اندیشه‌های خشکیده و غرض‌آلود کشیشان و کاهنان و موبدان و تجمل‌پرستی درباریان بود. خسرو پرویز، پادشاه ایران در زمان طلوع اسلام خود را آدمی فناپذیر از میان خدایان و خدایی بسیار جلیل در میان مردمان می‌شمرد.^۶ در پادشاهی ساسانی حدود یک‌درصد کل جمعیت آن روز

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۹

۲- همان، خطبه ۱

۳- همان، خطبه ۲

۴- همان، خطبه ۲۶

۵- سوره نحل، ۵۸

۶- ایرانیان در زمان ساسانیان، کرستن سن، ترجمه رشید یاسمی، ص ۶۴۸

ایران، همه چیز را در اختیار داشتند و بقیه مردم چون بردگان از حقوق اولیه و اساسی خویش محروم بودند.^۱

دانش تکمیلی

آیا در چهارده قرن پیش، ایرانیان به زور شمشیر و از روی اجبار مسلمان شدند؟
برای دیدن پاسخ این سؤال به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی به نشانی <http://quran-dept.talif.sch.ir>
بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

بیشتر بدانیم

حکیم ابوالقاسم فردوسی، نظام طبقاتی آن روز جامعه ایران را با ذکر یک داستان به خوبی ترسیم می کند. در زمان حکومت انوشیروان که جنگی میان ایران و روم پیش آمده بود و ذخیره مالی حکومت تمام شده بود، مأموران دولت به شهرهای مختلف می رفتند تا از ثروتمندان و توانگران کمک بگیرند. کفشگری که ثروتی از گذشته برای او مانده بود، به مأموران حکومت گفت: «من این ثروت را به شما می بخشم به شرطی که فرزندم اجازه داشته باشد آموزش های مربوط به شغل دبیری^۲ را بیاموزد»:

یکی پور دارم رسیده به جای به فرهنگ جوید همی رهنمای
اگر شاه باشد بدین دستگیر که این پاک فرزند گردد دبیر
ز یزدان بخواهم همی جان شاه که جاوید باد این سزاوارگاه

در آن روزگار، دبیران طبقه ای ممتاز بودند که کارهای اداری و دفتری پادشاهان را انجام می دادند. این افراد، آموزش های ویژه ای می گذراندند و بعد از ایشان فقط فرزندانشان می توانستند این شغل را به دست بگیرند. در حقیقت، خانواده پادشاهان که اولین طبقه جامعه بودند، معتقد بودند که افراد معمولی ادب و تربیت لازم را برای معاشرت با آنان ندارند و فقط یک طبقه خاص به نام دبیران می توانند با آنها آمد و شد داشته باشند و کارهای دفتری و اداری آنان را انجام دهند. پادشاهان و درباریان وارد شدن یک فرد معمولی به طبقه دبیران را خلاف ادب و عدل تلقی می کردند. به همین جهت انوشیروان در جواب کسی که پیغام کفشگر را آورده بود، می گوید:

۱- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، ج ۲، صص ۱۱-۱۰ (سرزمین ایران در دوره ساسانیان یکی از بزرگ ترین کشورهای جهان بود و قلمرو بسیار وسیعی را در برمی گرفت، جمعیت آن هم بسیار زیاد بود.)

۲- در زمان ساسانیان مردم به چهار طبقه اجتماعی تقسیم می شدند که یکی از این طبقات، طبقه دبیران بود که کارهای اداری همچون محاسبه اموال، صدور احکام و قراردادهای ... را انجام می دادند.

به ما بر پس از مرگ، نفرین بُود
 چو آیین این روزگار این بُود
 نخواهیم روزی جز از گنج داد
 درم زو مخواه و مکن هیچ یاد
 هم‌اکنون شتر بازگردان به راه
 درم خواه وز موزه‌دوزان مخواه
 فرستاده برگشت و شد با درم
 دل کفشگر گشت پر درد و غم



امپراتوری روم با استبداد اداره می‌شد و مسیحیت تحریف شده را، دستاویز حکومت خود قرار داده بود. تبعیض‌های نژادی، انحطاط اخلاقی و جنگ‌های پی‌درپی و طولانی مدت، این امپراتوری را به افول کشانده بود.^۱

این گزارش اجمالی، سیمایی از شرایط فرهنگی و اجتماعی قبل از اسلام بود.

رسول خدا ﷺ آمد تا با همکاری و تلاش و همراهی مردم مقدمات تمدنی بر پایه معیارهای الهی و دینی را بنا کند. تمام رفتارهای پیامبر اکرم ﷺ منطبق بر همین معیارها و معرفی آنها به جامعه و مردم بود. البته پیامبر اکرم ﷺ واقعیت‌ها را می‌دانست و از میزان توانایی مردم و موانع پیش رو کاملاً آگاه بود. پیامبر ﷺ می‌دانست جامعه، که مجموعه‌ای از انسان‌های قوی و ضعیف، موافق و مخالف و مؤمن و منافق است، تا چه میزان او را همراهی خواهد کرد. از همین جهت، همواره جامعه را نسبت به عظمت مسئولیت‌های بزرگشان آگاه می‌کرد و گاه با شدت به آنان هشدار می‌داد.

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ

وَمَنْ تَابَ مَعَكَ

وَلَا تَطْغَوْا

إِنَّهٗ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۲

خداوند در این آیه از پیامبر اکرم ﷺ می‌خواهد که نه تنها خودش، بلکه جامعه را برای برقراری جامعهٔ توحیدی و تمدن اسلامی به پایداری و استقامت در راه دعوت کند و به چنین مرحله‌ای از آمادگی برساند.

۱- شاهنامهٔ فردوسی، بخش ۱۲: وفات یافتن قیصر روم و رزم کسری

۲- برای مطالعه بیشتر در این خصوص به کتاب «انحطاط و سقوط امپراتوری روم»، نویسنده: ادوارد گیبون، ج ۲ مراجعه کنید.

۳- سورهٔ هود، آیه ۱۱۲.

به این ترتیب، پس از پیامبر اکرم ﷺ در طول چند قرن، تمدنی پدید آمد که جنبه‌های مثبت فراوانی داشت و دستاورد بزرگی برای بشریت به‌شمار می‌آمد؛ گرچه جنبه‌های منفی غیرقابل انکاری هم در آن وجود داشت. در این درس با مروری اجمالی بر این تمدن می‌خواهیم مشخص کنیم که این تمدن تا چه اندازه به معیارهای تعیین شده از جانب خداوند نزدیک شده است.

گزارشی از تلاش مسلمانان صدر اسلام برای تحقق برخی معیارها

الف) تحکیم بنیان خانواده

در جامعه‌ای با آن فرهنگ منحط، پیامبر خدا ﷺ با رفتار و عمل خود بسیاری از سنت‌های جاهلی را نابود ساخت. رفتار ایشان با دخترشان، حضرت فاطمه ؑ برای جامعه آن روز و نیز امروز بسیار آموزنده است. او پیامبری بود که پسری برایش نمانده بود و فقط چهار دختر داشت که سه دختر بزرگ تر قبل از رحلت پیامبر ﷺ از دنیا رفته بودند و فقط کوچک‌ترین آنها که فاطمه ؑ بود، برای پیامبر باقی مانده بود. از این‌رو، برخی از اعراب، پیامبر را «ابتر» (بی‌دنباله) صدا می‌کردند تا تحقیرش نمایند. اما این پدر بزرگوار، همراه با دختر خردسالش، رسالت تغییر و انقلاب در نگرش انسان‌ها را برعهده گرفتند. فاطمه زهرا ؑ پس از رسول خدا ﷺ چشمه‌سار همیشه‌جاری خوبی‌ها و ارزش‌ها در جامعه اسلامی شد. قبل از او نیز، حضرت خدیجه ؑ که پشتیبانی صمیمی برای پیامبر ﷺ بود؛ ثروت فراوان و شخصیت اجتماعی خود را فدای تلاش‌های رسول خدا ﷺ کرد و نقش ممتاز خود را در شکل‌گیری بزرگ‌ترین تحول جهانی ایفا نمود.

به تدریج، رفتارهای پیامبر و تنها دخترش فاطمه ؑ جهت احیای ارزش‌های فراموش شده انسانی به بار نشست و فروریختن سنت‌های جاهلی آغاز شد. حضرت فاطمه ؑ وارث و ترویج‌کننده همه مفاخر و ارزش‌هایی شد که پیامبر اکرم ﷺ به ارمغان آورده و پیامبران بزرگ الهی همچون نوح و ابراهیم ؑ و موسی ؑ و عیسی ؑ برای آنها مبعوث شده بودند.

خانه فاطمه ؑ و خانه پدر کنار یکدیگر بود. این دو خانه با یک حیاط خلوت کوچک از هم جدا می‌شد و دو پنجره روبه‌روی هم، خانه پدر و دختر را به یکدیگر متصل می‌کرد. هر صبح پدر دریچه پنجره را می‌گشود و به دخترش سلام می‌کرد. هرگاه قصد سفر داشت، به منزل فاطمه ؑ می‌رفت، و با او خداحافظی می‌کرد؛ و هرگاه نیز که از سفر برمی‌گشت، فاطمه ؑ اولین کسی بود که پیامبر ﷺ به سراغش می‌آمد و حال او را می‌پرسید.^۱

۱- مستدرک علی‌الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۸۴، ح ۴۸۰۲.

مورخان گواهی داده‌اند که پیامبر ﷺ همواره دست دخترش را می‌بوسید^۱ و درباره او می‌فرمود :

– بهترین زنان جهان چهار تن‌اند : مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه ع‌الیهن‌السلام^۲

– خداوند از خشنودی فاطمه خشنود و از خشمش به خشم می‌آید.^۳

– فاطمه پاره‌ای از تن من است، هر که او را بیازارد مرا آزرده است و هر کس مرا بیازارد، خدا را

آزرده است.^۴

در این خانواده، زنان، پایه پای مردان، تاریخ را رقم زده‌اند :

خدیجه ع‌الیهن‌السلام حامی بزرگ پیامبر ﷺ،

فاطمه ع‌الیهن‌السلام همراه پدر و حامی بزرگ علی ع‌الیه‌السلام،

و زینب ع‌الیهن‌السلام در کنار برادر و پیام‌رسان نهضت عاشورا.

در عین حال، این خانواده الگوی تمام عیار عفاف، حیا و پوشش اسلامی بودند تا به دیگر مؤمنین پیام‌رسانند که توجه به مقام و منزلت زن به معنی بی‌بند و باری، نگاه ایزاری به او، و یا به معنی هوس‌رانی و متزلزل ساختن بنیان خانواده نیست.

با توسعه سرزمین‌های اسلامی و شکل‌گیری حکومت‌هایی که دیگر پیامبر و یاران پیامبر را الگوی خود قرار نمی‌دادند، بار دیگر برخی از رفتارهای جاهلی نسبت به زن پدیدار شد. حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس و بسیاری دیگر از حاکمان سرزمین‌های اسلامی با تشکیل حرمسرا، زنان زیادی را به دربار خود آوردند، حقوق الهی آنان را نادیده گرفتند. با همه این احوال، موقعیت زن و خانواده در تمدن اسلامی بسیار برتر از موقعیت زن در اروپا و سایر مناطق جهان بود^۵ : زنان حق مالکیت و کار داشتند، دسترنج آنها به خودشان تعلق داشت^۶، در عین حال که وظیفه هزینه خانواده را بر عهده نداشتند، به همین جهت می‌توانستند ثروت خود را وقف امور عام‌المنفعه کنند. بسیاری از موقوفه‌های قدیمی کشور ما مربوط به زنان خیری است که ثروت خود را وقف امور خیریه کرده‌اند.^۷

تحصیل برای زنان آزاد بود و اندیشمندان بزرگی از زنان در جهان اسلام پیدا شدند که سابقه نداشت^۸.

۱- امالی، شیخ طوسی، ص ۴۰؛ مستدرک علی‌الصحیحین، همان، ج ۳، ص ۱۸۱، ح ۴۷۹۵.

۲- خصال، صدوق، ج ۱، ص ۲۲۵.

۳- امالی، شیخ مفید، صص ۹۴ و ۹۵.

۴- مناقب، ابن‌شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸.

۵- در درس بعد به جایگاه زنان در تمدن غرب خواهیم پرداخت.

۶- زنان مسلمان از ۱۴۰۰ سال پیش حق مالکیت برای اموال خود را داشتند در حالی که اروپا در نیمه دوم قرن ۱۹ این حق را به زنان داد.

۷- برای مطالعه در این خصوص رجوع کنید به : درآمدی بر موقوفات زنان، مهدی مهریزی، مجله میراث جاودان، شماره ۶۹.

۸- زنان دانشمند و راوی حدیث، احمد صادقی اردستانی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

با اینکه در آن عصر و حتی تا همین دوره‌های اخیر در اروپا، زن را براساس تورات، موجود درجه دوم تلقی می‌کردند، قرآن کریم، تلقی موجود درجه دوم بودن زن را به شدت نفی و با آن مبارزه کرد. البته با اینکه مسلمانان همچنان تحت تأثیر برخی اندیشه‌های خرافی دربارهٔ زن که از دورهٔ جاهلی باقی مانده بود، قرار داشتند؛ در عین حال تحول عظیمی نسبت به گذشته پدید آمده بود.

ب) رشد و بالندگی علم و فرهنگ

یکی از ویژگی‌های فرهنگ علمی دورهٔ اسلامی عدم اختصاص علم به طبقه یا قشر خاص بود. در ادامه به نمونه‌هایی از این توجه به علم و علم‌آموزی اشاره می‌شود:

۱- رسول مکرّم اسلام ﷺ روزی به یارانش فرمود: «کسی که دوست دارد نگاهش به چهرهٔ کسانی افتد که از آتش دوزخ در امانند، به جویندگان علم بنگرد. سوگند به کسی که جان من در دست قدرت اوست، هر شاگردی که برای تحصیل علم (نه به قصد شهرت و نه برای تظاهر و تفاخر)، رفت و آمد کند، در هر گامی، ثواب و پاداش عبادت یک‌سالهٔ عابد برای او منظور می‌گردد؛ و برای هر قدمی که در این مسیر می‌نهد، شهر آبادی در بهشت برای او آماده می‌سازند. و زمین نیز برای او طلب آموزش می‌کند...»^۱

۲- زنان مدینه برای علم‌آموزی در کلاسی که حضرت فاطمه علیها السلام تشکیل داده بود شرکت می‌کردند.

به این واقعه توجه کنید:

زنی نزد حضرت فاطمه علیها السلام آمد و گفت مادری دارم که در باب نماز سؤال‌هایی دارد؛ اما چون بیمار است، مرا نزد شما فرستاد تا آن سؤال‌ها را مطرح سازم. حضرت فاطمه علیها السلام به پرسش آن زن پاسخ داد. زن از این فرصت مناسب استفاده کرد و سؤال دیگری را مطرح ساخت. آن حضرت پاسخ آن را نیز بیان فرمود. همین‌گونه، آن زن پرسش‌های متعددی را در میان می‌گذاشت و حضرت زهرا علیها السلام، به تمام سؤالات جواب‌های لازم را می‌داد تا تعداد مسئله‌ها به عدد ۱۰ رسید. زن از کثرت سؤال‌ها احساس شرمندگی کرد و گفت: بیش از این مزاحم شما نمی‌شوم.

صدیقه کبری علیها السلام، در حالتی که نشان می‌داد هیچ منتهی براو ندارد، فرمود: «هر سؤالی که به نظرت می‌آید، بپرس.» سپس برای تشویق وی فرمود: «اگر فردی در مدت یک روز باری سنگین را به دوش کشیده، آن را به بالای بام حمل کند و در ازای آن حق الزحمه‌ای معادل هزار سکه طلا دریافت کند، با توجه به این مزد، آیا آن کار برای او سخت خواهد بود؟»

پاسخ داد: خیر.

۱- به‌طور مثال در سفر پیدایش تورات آمده که حوا از دندهٔ چپ آدم خلق شد و او بود که آدم را گمراه کرد و به خوردن میوهٔ درخت ممنوعه تشویق نمود. سفر پیدایش، اصحاح ۲۵-۲۳ و اصحاح ۳، ۷-۱.

۲- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمهٔ منیة المرید شهید ثانی، نگارش سید محمدباقر حجتی، ص ۵۵

فرمود: «من هم کارگزارم و خود را خادم خداوند قرار داده‌ام. مزد من در برابر هر سؤالی که پاسخ دهم، از مجموع مرواریدهایی که فاصله میان زمین و آسمان را پر کند، بیشتر است. پس سزاوار است که از پرسش‌های تو احساس رنج و زحمت نکنم.»^۱

تلاش پیامبر اکرم ﷺ و پیشوایان دینی سبب علاقه مسلمانان به علم و دانش شد، به طوری که توجه به اندیشه و تفکر و ارزشمندی علم روزافزون شد و ثمرات آن در تمدن اسلامی مشاهده گردید.

مثلاً نیاکان ما در جهان اسلام توانستند علوم و دانش بشری را از چند شاخه محدود به پانصد شاخه برسانند^۲. و این، به معنای توسعه زیاد علم بود که ناچار بودند آن را شاخه شاخه کنند و به صورت تخصصی بدان بپردازند. شوق و علاقه آنان به دانش سبب شد که در بسیاری شهرها در کنار هر مسجد، مدرسه‌ای نیز بنا کنند^۳.

در امور مربوط به بهداشت و سلامت، وضع مسلمانان بسیار درخشان بود؛ اگر شرایط قبل از اسلام و اوضاع آن دوره را در اروپا که هنوز حتی با حمام آشنا نبودند^۴ مورد توجه قرار دهیم، درمی‌یابیم که چگونه دستورات ساده‌ای مانند وضو و غسل و دیگر آموزه‌های بهداشتی اسلام مانند طهارت و نجاست و نیز دستورات پیشوایان دین در مورد سلامتی و درمان^۵، دنیای اسلام را متحول کرد.

۳- امیرمؤمنان علی علیه السلام، که نهج البلاغه اش نشان خردورزی و احترام به تفکر و تعقل است، فرمودند: «منزلت عالم و دانشمند، والاتر از کسی است که با کوشش، روزها را به روزه می‌گذراند و شب‌ها را به عبادت سپری می‌سازد.»^۶

۴- امام رضا علیه السلام حدیثی مفصل در ارزش علم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که قسمتی از آن چنین است: «اگر آموختن دانش با هدف الهی همراه باشد، کار نیک (حسنه) تلقی می‌شود. علم آموزی، عبادت است و مذاکره علمی، تسبیح و تقدیس پروردگار. و عمل و رفتار هماهنگ با علم، جهاد در راه خداست ... فرشتگان، شیفته دوستی با دانشمندان اند و با درود و تحیات خویش به آنان تهنیت می‌گویند...»^۷

۱- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه منیة المرید شهید ثانی، ص ۷۴

۲- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان مسیحی، ج ۳، ص ۲۶۴

۳- فجر الاسلام، احمد امین، ج ۱، ص ۱۴۲.

۴- ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می‌گوید: «چون به طور کلی در تعالیم مسیحیت سخن از نکوهش بدن و ترک آن بود، رعایت اصول بهداشتی، دربردارنده اجر و پاداشی نبود ... یکی از ثمرات جنگ‌های صلیبی رواج حمام‌های عمومی در اروپا به تقلید از گرمابه‌های مسلمانان بود» تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۱۱۲۵

۵- برخی از این دستورات در مجموعه‌هایی مانند «طب الصادق» و «طب الرضا» گردآوری شده‌اند.

۶- کافی، کلینی، ج ۱، ص ۲۵

۷- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، همان، ص ۶۰.

ج) توجه به عدالت و حقوق مردم

برقراری عدالت از اهداف رسالت پیامبر ﷺ و از مهم‌ترین معیارهای تمدن اسلامی شمرده می‌شود، به همین دلیل پیامبر اکرم ﷺ مردم را به عدالت در همه ابعاد آن دعوت می‌فرمود که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۱- یکی از ابعاد عدالت، عدالت اقتصادی است که قرآن کریم تفاوت انسان دین‌دار و بی‌دین را در آن دانسته و فرموده است:

.....
 ُأَرَأَيْتَ الَّذِي
 ُيُكَذِّبُ بِالذِّينِ
 ُفَذَلِكَ الَّذِي
 ُيَدْعُ الْيَتِيمَ
 ُوَلَا يَحْضُ
 ُعَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ^۱

۲- رسول خدا ﷺ به مردم می‌فرمود:

«برترین جهاد، سخن حقی است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد.»^۲

۳- رستم فرخ‌زاد، فرمانده سپاه یزدگرد، آخرین شاه ساسانی، در راه جنگ با مسلمانان بود. وی که مردی جهان‌دیده و با تجربه بود، در قادسیه با طلایه‌داران سپاه مسلمانان برخورد کرد. شب هنگام، سوار بر اسب، روی تپه‌ای رفت و به ارزیابی آن لشکر پرداخت. با وجود اینکه لشکر مسلمانان از نظر عده و تجهیزات اندک بودند، در قلب خویش اضطراب عجیبی احساس می‌کرد. از تپه فرود آمد و یکی سوی زهره بن عبدالله، فرمانده لشکر مسلمانان، فرستاد و وی را به مذاکره دعوت کرد. فرمانده آمد و سخنانی میانشان رد و بدل شد.

رستم به زهره گفت: درباره دین خود سخن بگوی.

زهره پاسخ داد: پایه دین ما دو چیز است: گواهی به یگانگی خدا و رسالت محمد ﷺ.

رستم گفت: اینکه عیبی ندارد؛ خوب است، دیگر چه؟

زهره ادامه داد: آزاد ساختن بندگان خدا از بندگی انسان‌ها به سوی بندگی خداوند.^۳

۱- سورة ماعون، آیات ۱ تا ۳.

۲- میزان الحکمة، محمد محمدی‌شهری، ج ۱، ص ۶۵۶ به نقل از کنز العمال، متقی هندی، حدیث ۴۳۵۸۸.

۳- إخراج العباد من عبادة العباد إلى عبادة الله.

رستم گفت: این هم خوب است، دیگر چه چیزی؟
 زهره گفت: مردم همه از یک پدر و یک مادر زاده شده‌اند و همه برادر و خواهر یکدیگرند.
 رستم گفت: این نیز خیلی خوب است. اگر ما اینها را ببندیم، شما باز خواهید گشت؟
 پاسخ داد: آری، قسم به خدا به سرزمین‌های شما دیگر قدم نخواهیم گذاشت، مگر برای تجارت.
 رستم گفت: راست می‌گویی، اما در میان ما مردم ایران، سنتی از زمان اردشیر رایج شده که با دین
 شما سازگار نیست. کشاورز و پیشه‌ور حق ندارند به طبقه بالاتر روند و از امتیازات آن برخوردار
 شوند. اگر این طبقات در ردیف اشراف قرار گیرند، پا از گلیم خود درازتر خواهند کرد و با اعیان و
 اشراف به ستیز برخوانند خواست.
 زهره گفت: ما نمی‌توانیم مثل شما باشیم. ما عقیده داریم که باید امر خداوند را در مورد همه طبقات
 رعایت کنیم. همه مردم از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند و همه با هم برادر و برابند.^۱

هم‌اندیشی

برای اینکه ما مسلمانان بتوانیم بار دیگر تمدن اسلامی را احیا کرده، به جایگاه مناسب خود در
 جهان برسیم، چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-
-

۱- کامل، ابن اثیر، ج ۲، ص ۳۱۹ تا ۳۲۱ (به نقل از کتاب داستان راستان).

باور کنیم رجعت سرخ ستاره^۱ را
 میعاد دستبرد^۲ شگفتی دوباره را
 باور کنیم رویش سبز جوانه را
 ابهامِ مردخیزِ غبارِ کرانه را
 باور کنیم ملک خدا را که سرمد است
 باور کنیم سگّه به نام محمد ﷺ است
 راوی به فتح، فتح نمایان به آسمان
 راوی به تین و زیت به افسانهٔ زمان^۳
 راوی بخوان به خواندن احمد ﷺ در اعتلا
 بر بام آسمان، شب معنا، شب «حرا»
 راوی بخوان که افسر سیارگان مه است
 راوی بخوان که مهدی موعود ﷺ در ره است^۴

۱- منظور از ستاره، حضرت مهدی ﷺ است.

۲- هنرنمایی.

۳- کلمات فتح، آسمان، تین، زیت و افسانهٔ زمان اشاره به عبارات قرآنی *إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ، وَالْفَتْحُ، وَالسَّمَاءِ، وَالتِّينِ وَالتَّوْنِ وَالْعَصْرِ*

دارد. افسانه در اینجا به معنی امر عظیم و شگفت است.

۴- رجعت سرخ ستاره، علی معلم.